



درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی رحمته الله علیه

عنوان درس:	فقه نظام سیاسی	جلسه ۵۴	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۱۲/۲
عنوان فرعی ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری			
عنوان فرعی ۲	عدل سیاسی			
عنوان فرعی ۳	مبحث دوم: اصول حاکم بین رابطه ولیّ عام با مدیران و مردم			
مقرر:	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش			

بحث ما در اصول حاکم بر رابطه بین حاکمان و مردم بود و تاکنون به ۷ اصل اشاره کردیم که آخرین اصل این بود که والیان و حاکمان نباید به سعی ساعات اعتنا کنند و بعد از اینکه کسانی را مورد امتحان قرار دادند و به آنها اعتماد کردند و پی به شایستگی و امانت آنها بردند و آنها را برای مأموریتی نصب کردند، دیگر نباید به بدگویی بدگویان اعتنا کنند؛ به فرمایش حضرت استناد کردیم که فرمود:

«وَلَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصْدِيقِ سَاعٍ»^۱؛

در تصدیق سخن چین شتاب مکن.

مگر اینکه ادله و قرائن قطعی بر تخلف والی مورد اعتماد قائم شود.

اصل هشتم: تقدیم رضایت عامه بر رضایت خاصه

اصل هشتم از اصول حاکم در رابطه بین حاکم و محکومان، اصل تقدیم رضایت عامه بر رضایت خاصه است؛ یعنی حاکم باید در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها رضایت عامه مردم را در نظر بگیرد و آنجا که تعارض بین رضایت عامه و رضایت خاصه اتفاق می افتد، رضایت عامه را بر رضایت خاصه مقدم بدارد. مراد از خاصه، اصحاب ثروت و نفوذ اجتماعی و کسانی که از امتیازهای ویژه در جامعه برخوردارند می باشد؛ که اینها توقعات و انتظاراتی دارند که گاهی با مصالح عامه مردم سازگار نیست؛ فرض کنید بودجه ای وجود دارد و امر دایر است که این بودجه را به گروه خاصی بدهند و یا به شکلی هزینه کنند که نفعش به عامه مردم برگردد، در اینجا باید عامه مردم را مقدم بدانند و کلاً سیاست گذاری باید بر همین پاشنه بچرخد. ما این را حتی در مباحث اقتصادی گفتیم که در اقتصاد سرمایه داری سعی بر این است که از سرمایه داران طرفداری شود و

امکانات بیشتر در اختیار آنها قرار بگیرد و در همین راستاست که مبنای اقتصاد سرمایه‌داری تشکیل شرکت‌های بزرگ و تشکیل کارتل‌ها و تراست‌هایی است که اختیار آنها به دست یک یا چند نفر است و در نتیجه فرصت‌های اقتصادی به تدریج در انحصار این افراد قرار می‌گیرد؛ در حالی که در اقتصاد اسلامی باید طوری برنامه‌ریزی کنند که فرصت‌ها بین عامه مردم توزیع شود. در بعضی از مباحث اقتصادی مثال زده‌ایم که حتی این کارخانه‌جات کلانی که می‌بینیم - فرض کنید کارخانه ماشین‌سازی یا تولید آلومینیوم و فولاد - باید سعی شود کارهای خرد این کارخانه‌ها که قابل تقسیم بین مردم است، از عامه مردم در آن استفاده شود؛ ساخت قطعات مورد نیاز به مردم واگذار شود؛ و بعد مونتاژ در کارخانه‌ها صورت گیرد؛ در یک خانه کسی می‌تواند پارچه ببافد و یا نجاری کند و امثال اینها؛ اینکه شما کارخانه عظیمی درست کنید که تمام فرصت‌های نجاری را در اختیار شرکت خاص قرار دهید که همه ناچار باشند برده آن شرکت شوند، این با اصول اقتصاد اسلامی سازگار نیست؛ بلکه می‌شود شرکت زد، اما به شرطی که این شرکت طوری عمل نکند که کار را از عامه مردم به سمت یک جهت خاص منحصر کند و هدایت کند؛ خلاصه انحصارگرایی و ویژه‌گرایی در اقتصاد اسلامی ممنوع است و همچنین در سایر بخش‌های مدیریتی نیز همین‌گونه است؛ آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، ورزش، بهداشت، و... در تمام این عرصه‌های مدیریتی نباید به طوری عمل شود که رضایت عده خاصی مد نظر باشد. مثلاً فرض کنید اینطور نباشد که در سیاست‌گذاری‌های بهداشتی، منفعت پزشکان در نظر گرفته شود، نه منفعت عامه مردم؛ یا در مسکن‌سازی، منفعت شرکت‌های ساخت و ساز در نظر گرفته شود، نه منفعت عامه مردم؛ و این را گفته‌ایم و مثال زده‌ایم که این آپارتمان‌سازی و برج‌سازی‌ها که به عنوان صرفه‌جویی مطرح می‌شود و می‌گویند اگر بخواهیم هزار واحد مسکونی ویلایی و در سطح زمین بسازیم، هزینه بیشتری دارد - کسی که بگوید زمین نداریم، حرف بی‌خودی است؛ این همه بین قم و تهران زمین است؛ خداوند متعال این حرف را در قرآن کریم رد کرده است: «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِيَّ وَاسِعَةً فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ»^۱؛ ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! زمین من وسیع است، پس تنها مرا پرستید» هرکسی چنین بگوید که زمین تنگ است و کم است و یا بگوید امکانات زمین برای سیر کردن مردم کفایت نمی‌کند^۲؛ [حرف غلطی است؛ خداوند متعال] می‌فرماید: «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ»^۳؛ و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد؛ و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره

۱. سوره عنکبوت: ۵۶.

۲. نظریه مالتوس که معتقد بود زمین برای کشت و کار و تولید غذا کفایت نمی‌کند؛ لذا باید سیاست کنترل جمعیت را پیاده کنیم و نگذاریم جمعیت بشر زیاد شود.

۳. سوره ابراهیم؛ ۳۴.

توانید کرد! انسان، ستمگر و ناسپاس است» _ اینها به نفع ساکنان خانه‌ها نیست، به نفع سرمایه‌دار است، او است که با پول کمتر، سود بیشتر می‌برد؛ و این غلط است که گفته شود به نفع هر دو است؛ مثلاً اگر شما الان بخواهید خانه ویلایی صد متری در مناطق معمولی تهران بخرید باید یک میلیارد بخرید؛ اگر هم بخواهید در شمال تهران آپارتمان صد متری بخرید، باید همین یک میلیارد را بدهید؛ معلوم می‌شود این دورغ است که گفته می‌شود به نفع است؛ و این تزویر است؛ آنکسی که در این میان نفع می‌برد، سرمایه‌دار است که می‌خواهد با کمترین سرمایه، بیشترین سود را ببرد و الا از کسی که می‌خواهد خانه را بخرد، هم پول زمین را می‌گیرد هم پول تمام امتیازات دیگر را. این سیاستی است که به نفع سرمایه‌داران و ویژه‌خواران است و الا آنچه با منفعت عامه مردم سازگار است، همان خانه‌های ویلایی و معمولی است.

حضرت امیر علیه السلام تأکید بر این اصل دارند و در عهد مالک اشتر _ که سابقاً به سند آن پرداخته‌ایم _ می‌فرماید:

«وَلَيْكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَأَعْمَقُهَا فِي الْعَدْلِ وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يُجَحِّفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ وَإِنْ سُخْطَ الْخَاصَّةِ يُعْتَفَرُ مَعَ رِضَى الْعَامَّةِ وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الرَّعِيَّةِ أَثْقَلَ عَلَى الْوَالِي مَثْوَنَةً فِي الرَّحَاءِ وَأَقْلَ مَعُونَةً لَهُ فِي الْبَلَاءِ وَأَكْرَهَ لِلنَّصَافِ وَأَسْأَلَ بِالْإِلْخَافِ وَأَقْلَ شُكْرًا عِنْدَ الْإِعْطَاءِ وَأَبْطَأَ عَذْرًا عِنْدَ الْمَنْعِ وَأَضْعَفَ صَبْرًا عِنْدَ مُلِمَاتِ الدَّهْرِ مِنْ أَهْلِ الْخَاصَّةِ وَإِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ وَجَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَالْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ فَلْيَكُنْ صِغُوكَ لَهُمْ وَمِيلُكَ مَعَهُمْ»^۱؛

دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین، و در عدل فراگیرترین، و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص (نزدیکان) را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند. خواص جامعه، همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند زیرا در روزگار سختی یارشان کمتر، و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر، و در خواسته‌هایشان پافشارتر، و در عطا و بخشش‌ها کم‌سپاس‌تر، و به هنگام منع خواسته‌ها دیر عذر پذیرتر، و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر می‌باشند. در صورتی که ستون‌های استوار دین، و اجتماعات پرشور مسلمین، و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند، پس به آنان بیشتر گوش‌فرا ده و به آنها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد.

خلاصه آنچه باید در نظر حاکم باشد، رضایت عامه مردم است؛ نه اینکه بگوید ما می‌خواهیم شهر را بسازیم؛ به هر قیمتی، [خانه‌ها و مغازه‌های مردم را از آنها بگیرد و خراب کند]؛ خب برای چه کسی می‌خواهی

۱. «صغوه» به معنای گوش‌فرا دادن است

۲. نهج البلاغه؛ نامه ۵۳.

شهر را بسازی؛ اطراف حرم حضرت رضا علیه السلام را ببینید چه کردند!! شما می آید تنگی (ضیق بودن مکان) را برطرف کنید، تنگی دیگری بر مردم بار می کنید؟؛ اتفاقاً خود حرم حضرت رضا علیه السلام وسعتش زیاد بود و صحن های متعددی از قبل وجود داشت؛ صحن های حرم بعید می دانم که خانه های مردم بوده باشد اما اطراف حرم حضرت رضا علیه السلام که در یک شعاع بسیار گسترده ای، ۴۰ سال است که زندگی مردم در آنجا زندگی سختی شده است و خانه هایشان را [گرفته اند] که خیلی از آنها مستضعف هستند که خانه ۸۰ متری داشته؛ این را از او بگیری و خراب کنی؟! بعد با پولی که به او بدهی نمی تواند خانه ای مثل خانه اش بخرد؟! به نظر بنده این کارها درست نیست. همین خیابان حرم تا حرم کار غلطی بود؛ از لحاظ موازین شرعی این کارها هیچ توجیهی ندارد که خانه های مردم را خراب کنید که می خواهید یک مسیر خیلی عریضی درست کنید؛ شما می خواهید برای مردم کار کنید، چرا مردم را آزار می دهید؟ کاری کنید که موجب ناراحتی عامه مردم نشود؛ اینها عامه مردم اند، گروه خاصی نیستند؛ چند هزار خانه را باید خراب کنی تا یک خیابان بکشی؛ باید ببینی این خیابان کشیدن تا چه اندازه ضرورت دارد؟ بله، یک وقتی ضرورتی است که موجب تلف نفوس می شود یا راه نیست مریضی را عبور دهند یا راه نیست آتش نشانی عبور کند و امور ضروری در این حد، در آن حدی که تأمین ضرورت شود می توان انجام داد؛ اما نه اینکه شما محله بزرگی را تخریب کنید به بهانه اینکه می خواهیم شهرتان را بسازیم!!! الان اطراف حرم [حضرت معصومه علیه السلام] را بستند و رفت و آمد را منع کردند؛ بیچاره ها مردمی که می خواهند به حرم بیایند و یا می خواهند اطراف حرم خریدی بکنند، از مصافت دوری باید پیاده بیایند و ماشین خودشان را جای دوری پارک کنند!!! بنده نمی دانم وجه شرعی چنین کارهایی چیست و چرا به آن رسیدگی نمی شود. این موجب ناراحتی عامه مردم می شود و بازاری های اطراف حرم نیز همیشه گله مند بودند که چرا چنین کاری می کنید؛ خب چه مشکلی داشت که چنین کردید؟ بله، مقداری شلوغ بود؛ ما در شهرهای بزرگ دنیا زندگی کرده ایم، در مراکز شهر شلوغ است و خیابان های تنگ وجود دارد؛ هر کسی که می خواهد اینجا زندگی کند یا نکند، اختیار دست خود مردم است؛ اگر می خواهد اینجا زندگی کند باید تنگی این خیابان را تحمل کند؛ اگر نمی خواهد به جایی برود که خیابانش تنگ و شلوغ نباشد؛ کار را به خود مردم بسپارید؛ برای چه این کارها را انجام می دهید؟ خیلی از این کارها برای پُر دادن و برای اینکه بگویند ما چه کردیم و چه نکردیم است و گاهی منافع خودشان در این کارها وجود دارد؛ نه منفعت عامه مردم در حالی که آنچه منفعت عامه مردم اقتضا می کند باید در نظر گرفته شود.

اصل نهم از اصولی که باید رابطه بین حاکم و مردم را تنظیم کند، اصل مشورت است.